

## اول ژوئیه ۲۰۰۹



## خاویر و خمیر!

بهترین راه برای ابتر کردن سیاست استعمار و شکستن فضای التهاب کاذب سیاسی در کشورمان، پرداختن به «واقعیت» است. با جدا شدن از جنجال دو جناح و طرح قانونی مطالبات صنفی باید به ویژه به گروه قانون شکن موسوی تفهیم شود که مطالبات مردم ایران پیروی از «خط امام» و پیمودن «راه خدا» نیست. مردم ایران، به عنوان انسان نیازهای «مادی» دارند.

جنبش مدنی «انسان محور» است و برای دستیابی به اهداف خود راهی جز «راه انسان» نمی پوید. میرحسین موسوی که قرار است نقش حسین، شهید مظلوم را در بی بی گوزک های کربلا ایفا کند، در آخرین بیانیه خود می گوید، برای حل یک «مسئله خانوادگی» راه خدا را برگزیده! «راه خدا» همان راهی است که خمینی دجال وظیفه داشت برای تأمین منافع اربابان در سازمان ناتو بپیماید. امام سیزدهم یک تنه در برابر «امپریاس» ایستاد؛ «راه خدا» را می رفت؛ «حرف خدا» را می زد؛ خدا هم در واشنگتن نشسته و «حکم جهاد» با اتحاد جماهیر شوروی صادر می کرد. ولی «راه خدا» امروز ملت عراق را برای مدت ۲۰ سال به اسارت «بریتیش پترلیوم» و یک شرکت چینی در آورد. این همان «راه» دیرینه موسوی باید باشد. ولی اینبار «راه خدا» به تأمین نفت رایگان برای غرب و کشتار جوانان ایران منجر نخواهد شد. اینبار راه کذا «پیروان خط امام» را به زباله دان تاریخ رهنمون می شود.

مسیر «راه خدا» ارزانی دین پرستان جنایتکار حکومت آب منگل ها باد که برای تأمین منافع اربابان خود با ایجاد بحران، رویای انزوای سیاسی ایران را در سر می پروراندند. ما از هیچیک از دو جناح حکومت «آب منگل ها» حمایت نمی کنیم، چرا که این دو برخاسته از یک مجموعه دست نشانده بیگانه اند.

هدف از جنجال و هیاهوی گورکن ها و اربابان شان از یکسو تهدید روسیه از طریق تجهیز حکومت توحش به سلاح اتمی، و از سوی دیگر تحمیل «شرایط ویژه» بر ملت ایران و «بازگشت به دوران انزوا» است. در این راستا «فیلدمارشال» فیروزآبادی ضمن پارسیدن به اربابان در اتحادیه اروپا، فرموده اند، تا عذرخواهی نکنید مذاکره نمی کنیم!

آورده اند خاویر سولانا، وقتی سخنان فیروزآبادی را شنید، گفت:

«والله، آقا، دروغ چرا؟! [...] ما شاهرگمان را بزیند تف تو صورت این خمیرگیر نمی کنیم [...] ما با خمیرگیر قهریم [...] ما با خمیرگیر بگومگومان شد، با سنگ ترازو جسارتاً زد به اینجای ما ... که دلمان از حال رفت ما هم با زنبیل زدیم توی سرش [...] از آنروز تا حالا ما باهاش قهریم، حرف نمی زنیم.»

می دانیم که گورکن ها برای شفاف سازی برنامه هسته ای شان باید با اربابان خود «مذاکره» کنند. به عبارت دیگر ایالات متحد باید در چارچوب مذاکرات حقوقی از تجهیز طالبان جمرکان به سلاح هسته ای چشم پوشی نماید. و به همین دلیل میرحسین موسوی برای حل اختلاف خود با شورای نگهبان جمرکان «راه خدا» را برگزیده.

ویژگی راه خدا «ابهام» آن است. راه کذا مانند «خط امام» و «احکام قرآن» بر حسب منافع سازمان ناتو تعیین می شود. تاکنون منافع سازمان ناتو با قراردادن دولت ایران در انزوای سیاسی، ایجاد آشوب و تحمیل جنگ به ما ملت تأمین شده. امروز هم جیره خواران وفادار این سازمان می پندارند «در هنوز بر همان پاشنه می چرخد» و می توان باز هم «به نام خدا» به دوران شیرین «بهار عازادای»، سرکوب مخالفان حکومت و تداوم و گسترش تاراج در «سکوت» کامل بازگشت.

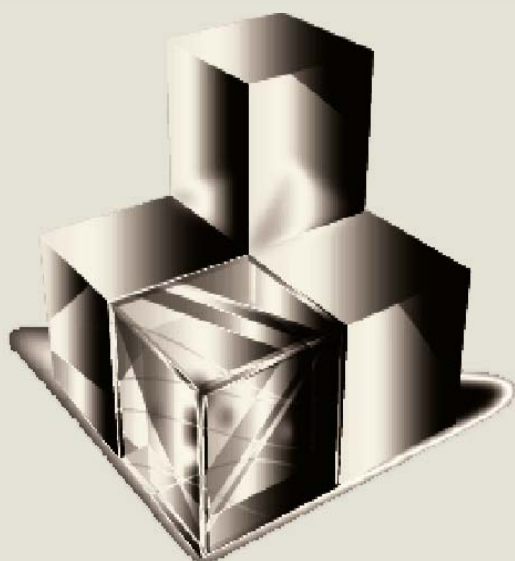
پس به خیابان ها نیاید! از هم صدائی با دارودسته موسوی بپرهیزید و با نیروی انتظامی درگیر نشوید! کودتاچیان برای تکمیل کودتا به «تداوم آشوب» و «خون شهید» نیاز دارند. به همین دلیل برای «توجیه» قانون شکنی به توطئه کثیف «جدائی دین از حکومت» متوسل شده، دستاربنان مزدور خود را به عنوان «مخالف حکومت» به صحنه سیرک پنتاگون آورده اند.

جسارت و شهامت کروی، موسوی و به ویژه آخوند طاهری دلیل دارد. آنگلساکسون ها می پندارند، مردم ایران یکبار دیگر فریب «هل من مبارز طلبی های» مشتی دستاربند خود فروخته را خواهند خورد و برای «شهادت» در راه حسین و میرحسین و دیگران و تکمیل کودتا «از خانه ها بیرون خواهند آمد.» «دی یرا!» اشتباه می کنید!

دژ مستحکم طالبان پروری سازمان ناتو در ایران رو به ویرانی گذارده. دلیل قرار گرفتن آخوند جماعت، از جمله آخوند طاهری و منتظری «در کنار مردم» همین است. آخوند طاهری از آن سوپراخواندهای کارخانه رجاله پروری است، و از آنجا که شامه «سوپر تیز» دارد رایحه «تغییر» را پیش از کودتای ۱۸ تیر و در سال ۱۳۸۱ تشخیص داده بود. ولی حضور اربابان شان عرض کنیم، بیانیه های گوساله فریب این جماعت نزد مردم ایران دیگر خریداری ندارد. هدف ما استقرار یک حاکمیت دمکراتیک در ایران است که با قانون اساسی در چارچوب دین و مذهب و خط توحش امام شما در تضاد قرار می گیرد.

جنبش مدنی انسان محور است، روی به زندگی و آینده دارد، آخوند جماعت و دین پرستان بی دستار نمی توانند سخنگوی یک جنبش مدنی باشند. رادیو همبونه ها، به ویژه رادیو بی بی سی و رادیو فردا که می کوشند دستاربنان را «در کنار مردم» قرار دهند آب در هاون می کوبند! همچنین آن ها که همچون شیرین عبادی با توسل به دبیرکل سازمان رسوای ملل می کوشند دوام حکومت توحش را تضمین کنند، ول معطل اند. سازمان ملل از دیرباز عصای دست پنتاگون بوده، طالبان جمرکان، از آخوند منتظری و طاهری تا میرحسین موسوی و ابراهیم یزدی نوکران همین تشکیلات اند، بنابراین نمی توانند جایگاه رهبری جنبش مدنی را اشغال کنند و سخنگوی مردم ایران باشند.

اگر به دلیل سانسور، ایرانیان از دلائل شکست جنبش مشروطه و خیانت های مصدق و فدائیان اسلام بی خبر مانده اند، در عوض از وقایع سه دهه اخیر، خصوصاً ظهور خمینی شیاد و شارلاتانیسم خاتمی آگاهی دارند و نیک می دانند که چگونه حاج فرج دباغ در کیهان لندن به «معمار رنسانس»، آنهم رنسانس نیست در جهان «دینی» تبدیل شد تا دارودسته بهزاد نبوی، خاتمی و اعضای نهضت عازادای با جنجال و هیاهو و شایعه پراکنی پیرامون حمایت فرضی خامنه ای از ناطق نوری، شوت و پرت ها را در برابر حوزه های مارگری جمع کنند. نتیجه این شارلاتانیسم سیاسی فاجعه استقرار آخوند محمد خاتمی در جایگاه «رهبر» اصلاح طلبی «موهوم» بود، آنهم با ۷۰ درصد «آراء» فرضی ملت!



نتیجه این معرکه مهوع گسترش سرکوب و ارباب مردم ایران بود که البته همه و همه به حساب «اصولگرایان» و «تندروها» گذاشته می‌شد، حال آنکه در حکومت آب‌منگل‌ها تندرو و اصلاح‌طلب فرضی هر دو خشونت‌طلب‌اند. محمدخاتمی در دوران نخست وزیری میرحسین موسوی مسئول «تبلیغات جنگ» بود و به همین دلیل او را برای سازمان دادن به کودتای ۱۸ تیر از صندوق بیرون کشیدند. کودتائی که ناکام ماند. کودتای ۲۲ خرداد نیز می‌رود تا به همین سرنوشت دچار شود.

کودتای ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، مجموعه‌ای است از کودتاهای مختلف، همچنانکه کودتای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز چندین و چند کودتا را شامل می‌شد. این کودتاها را «مادر کودتا» می‌خوانیم، چرا که از هر یک چندین کودتا زاده می‌شود که هر یک به نوبه خود زمینه ساز دیگری خواهد شد. البته همه این کودتاها فرزندان خلف کودتای کلنل آبرون‌ساید به شمار می‌روند که در سال ۱۹۲۱ به وقوع پیوست و تا ۲۲ خردادماه سالجاری به تولید مثل ادامه داده. ولی گویا زایمان کودتای ۲۲ خردادماه به اشکال برخورد کرده! پس از تأمین مشروعیت ۸۵ درصدی برای حکومت توحش جمکران، از روز ۲۳ خردادماه فرزندان کودتا دیگر مرده به دنیا می‌آیند.

از پرداختن به جزئیات مسائل سده اخیر به ویژه مسائل سه دهه گذشته پرهیز می‌کنیم، فقط یادآور می‌شویم کودتای میرپنج در ظاهر برضد آخوند و در واقع برای تولید و پرورش آخوندهای سیاسی صورت پذیرفت. پس از کودتای سوم اسفند، برای سازمان دادن به کودتا هر بار یک «ملی - مذهبی» با یک آخوند همگام شده تا پس از وقوع کودتا، این شخصیت «ملی‌مذهبی» همچون مصدق، بازرگان و بالاخره بنی‌صدر به عنوان شهید و مظلوم در جایگاه رهبری اوپوزیسیون قرار گیرد. نمونه محمدخاتمی منحصر به فرد بود، چرا که حضرات به کمتر از آخوند رضایت ندادند! شاید به همین دلیل اینبار زوج فاشیست «موسوی - کروی» را به عنوان «مخالف حکومت» راهی صحنه کردند تا با توسل به نهضت منفور عاظادی، سپاه پاسداران، طلاب و دانشجویان کودتای مردمی مطلوب آنگلساکسون‌ها را سازمان دهند. ولی از آنجا که کارشان نگرفت، با توسل به «توطئه جادائی دین از حکومت» دستاربندها را برای قانون شکنی در برابر حاکمیت قرار دادند.

البته جنجال‌های «موسوی - کروی»، صدور بیانیه سپاه مفلوک پاسداران، قانون‌مداری دروغین رهبر فرزانه و از همه مهم‌تر پروپاگاندا رسانه‌های غرب و جیغ و فریاد لوطی و عنترهای فرنگی پنتاگون برای «اوپوزیسیون‌سازی» همگی ابتر شده، چرا که برخلاف پروپاگاندا گوساله‌پسند رسانه‌ای در غرب و در داخل مرزها، مردم ایران به کل حاکمیت آب‌منگل‌ها - برخاسته از قانون اساسی فعلی - اعتراض دارند، نه به بخشی از آن. دمکراسی با شیخ و روزه و زوزه و «الله‌اکبر» و شهید پروری هم‌سوئی ندارد. به عبارت دیگر ما ملت «دمکراسی نفتی» مانند دمکراسی عراق نمی‌خواهیم.

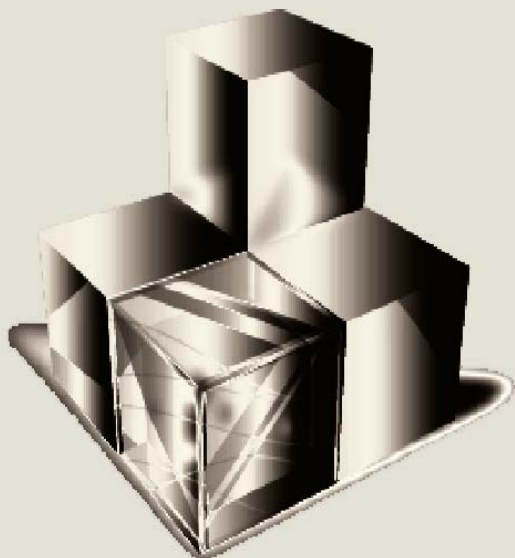
برای استقرار دمکراسی «نفتی» در عراق بیش از ۶۰۰ هزار کشته، و حدود ۳ میلیون نفر آواره شده‌اند، تعداد مجروحین و معلولین هم مشخص نیست!

تمام زیرساخت‌های این کشور ویران شده و هر روز شاهد انفجار بمب و کشتار غیرنظامیان در اماکن عمومی عراق هستیم. بله رسیدن به دمکراسی به قول ادبای حکومت آب‌منگل‌ها «هزینه» دارد! الکی که نیست! و این «دمکراسی» دلفریب با کمک شرکت ملی نفت چین و بریتیش پترولیوم به مدت ۲۰ سال در چارچوب قانون اساسی توحش و با «پرچم الله‌اکبر» بر ملت عراق تحمیل خواهد شد.

به گزارش مهرنیوز، مورخ ۱۰ تیرماه سالجاری، به نقل از «دیلی تلگراف»، ظرفیت بزرگترین میدان نفتی عراق حدود ۱۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون بشکه است که به مدت ۲۰ سال در انحصار کنسرسیوم جنتمن‌های نزولخور و چینی‌ها قرار گرفت! اکنون متوجه می‌شویم چرا همه طالبان پروران ناتو و سازمان‌های به اصطلاح غیردولتی‌شان ضمن ابراز نگرانی از وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق خواهان استقرار دمکراسی در این کشور بودند. گویا قرار شده به همت میرحسین موسوی، کروی و ژنرال فیروزآبادی، طالبان پروران ناتو در مورد ایران نیز به همین «نگرانی‌ها» دچار شوند.

در این راستا آخوند طاهری، هم‌ولایتی «شهلا شرکت» که سی سال است نان حکومت توحش سق می‌زند، به پیروی از «خطامام» با صدور یک بیانیه گوساله‌پسند خود را در کنار «مردم رأی باخته» قرار داده تا اگر از این تنور پربرکت نانی بیرون آمد، سهم ایشان نیز محفوظ بماند. پس تعجب نکنیم که در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹، سایت «بی‌بی‌سی» و دیگر همبونه‌ها بیانیه مضحک حضرت آیت‌الله فرصت‌طلب را منعکس کنند.

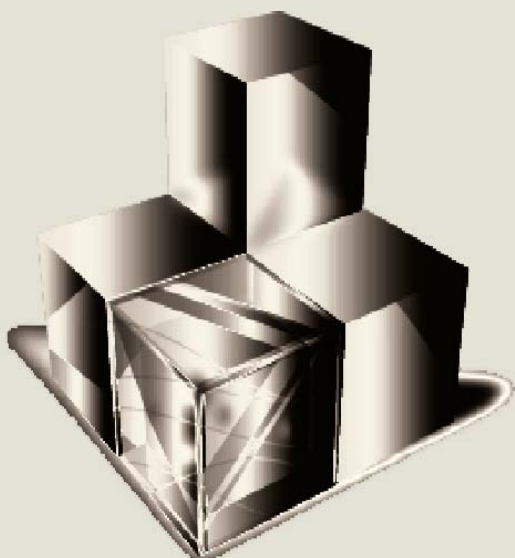
آخوند طاهری ناگهان کشف کرده که انتخابات ۲۲ خرداد «مخدوش» است. ایشان بلافاصله «احساس تکلیف» فرموده یک بیانیه صادر کردند که بگویند بی‌خیال شورای نگهبان و اصل چهارم قانون اساسی، «حق» با من است! چرا که «من» حرف خدا و اسلام را می‌زنم. بله تاکنون انتخابات در جمکران «مخدوش» نبوده، شورای نگهبان هم تخلص نکرده بود، وزارت کشور هم تقلب نکرده بود! از وقتی کودتای سپاه پاسداران برای تاجگذاری موسوی شکست خورد و جنبش اصلاح‌طلبی هم نتوانست به جسد چند هزار «شهید» تکیه کند، آخوند طاهری را برای صدور فتوی و در واقع برای «تداوم آشوب» از قفس بیرون کشیده‌اند. می‌بینیم که در برابر قانون‌شکنی آشکار سگ‌های‌هار کارخانه رجاله پروری قوه قضائیه چه خوب «خفقان» می‌گیرد!



همانطور که در بالا اشاره کردیم، بالاخره تلاش جنتلمن‌های نزولخور «سیتی» برای «نابودی سلاح‌های کشتار جمعی» و «استقرار دموکراسی» در کشور عراق به نتیجه مطلوب رسید و «بریتیش پترولیوم» بر ملت عراق منت گذاشته برنده مناقصه استخراج نفت از بزرگترین میدان نفتی این کشور شد. البته تکه استخوانی هم برای دولت طالبان پرور و مائوئیست چین پرتاب کرده‌اند که بریتیش پترولیوم برای اعمال توحش تنها نماند. بله «چنج» در عرصه سیاست بوی «نفت» می‌دهد، و چشم امید نفتخواران غرب به «طالبان»، به ویژه در جمکران دوخته شده. چرا که «طالبان» به جز «راه خدا» هیچ راه دیگری نمی‌شناسد. راه خدا چیست؟ راهی است برای «انحراف افکار عمومی»، راه توحش، راه خشونت، راه آشوب و قانون‌شکنی است برای گسترش تاراج. خلاصه راهی است انسان‌ستیز که مانند سیاست استعمار با جنبش‌مدنی در تضاد کامل قرار می‌گیرد. خدا را به جنبش‌مدنی راهی نیست.

شیخ پشم‌الدین کشکانی گوید، «رابرت گیتس» سولانا را ندا داد، «قاسم! من به تو دستور می‌دهم که این مأموریت را انجام بدهی! خیال کن در جنگ کازرون هستیم.» سولانا درحالی که زیر لب غرغر می‌کرد برخاست:

- چشم آقا، اما قدرت خدا را ببین ... فرق روزگار را ببین ... آنوقت‌ها به ما فرمان می‌دادید بریم به جنگ [شوروی]. حالا باید بریم سراغ این خمیرگیر...



بخشی از متن بیانیهٔ بیش‌زمانهٔ طاهری را بررسی خواهیم کرد، فقط یادآور شویم این شیخ پلید به بهانهٔ دفاع از «آراء مردم»، آنهم در حکومتی که سی سال است به سرکوب و کشتار همین «مردم» اشتغال دارد، در واقع به تبلیغ برای «دین» و «خمینی» منفور پرداخته، از خوبی‌های «رهبر توحش» یاد می‌کند! آخوند طاهری که مانند دیگر «تیزسالاران» کم‌سواد و گوساله‌فریب است، می‌پندارد مردم دوران فساد و وحشت خمینی و به ویژه سخنان گهربار این مظهر توحش و ابتدال را فراموش کرده‌اند، به همین دلیل در اطلاعیه‌اش خمینی دجال را در ترادف با «دین» قرار داده می‌پرسد، چرا مانند خمینی رفتار نمی‌کنید، چرا میرحسین موسوی، این سید مظلوم را آزار می‌دهید:

«آیا امام [...] اجازه می‌داد حیثیت و آبروی افراد [...] ملعبهٔ بازیگران قدرت قرار گیرد [شود]؟ آیا دین چنین اجازه‌ای به شما داده؟ [...] آیا [...] سید شریف و مظلومی که [...] مسئولیت ادارهٔ دولت را با وجود جنگ [...] و تشبیت انقلاب با موفقیت طی نمود، اکنون عامل استکبار، اغتشاشگر و مستوجب کیفر [است] و باید حقوق‌اش پای‌مال گردد؟ [...]»

حضرت آیت‌الله می‌فرمودند، این «سید شریف و مظلوم» که طی جنگ ۸ ساله نفت را به رایگان داد و پس از جنگ هم سی هزار زندانی را اعدام کرد، چرا حق‌اش باید پایمال شود؟ این «سید شریف» که با قانون‌شکنی چند «شهید مظلوم» هم به جنبش خونخوار اصلاح‌طلبان «پیروخط‌امام» تقدیم کرده، از خودمان است! پس حق با اوست، چون ما هم مانند خمینی و دین اسلام برحق‌ایم!

و اما نکتهٔ مهم در بیانیهٔ آخوند طاهری این است که ایشان برخلاف امام راحل‌شان تحکم نمی‌کنند، نسخه هم نمی‌نویسند! بیانیهٔ آخوند طاهری مجموعه‌ای است از پرسش‌ها که پای بر دروغ و توهم می‌فشارد. طاهری با تکیه بر این دروغ بزرگ که «دین» خواهان «عدالت» است، و سید هم گویا «شریف» و «برتر از دیگران»، ادعا می‌کند «خمینی» و میرحسین موسوی «عادل» بودند! طاهری سپس می‌پرسد چرا قانون باید شامل حال موسوی، سید شریف و مظلوم و پیرو خمینی شود؟ به عبارت دیگر مهمات حضرت آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، بازتولید «رقیق» چرندیات تقدس‌گستر و قانون‌ستیز آخوند کروی خطاب به پاسدار شریعتمداری است که پیشتر در این وبلاگ بررسی شده.